

## **Investigating the Effects of Modernization on the Division Pattern of Gender Roles in Rural Areas (Study of rural areas of Amlash city)**

**Moosa anbari\***

**Maryam fekri\*\***

### **Abstract**

The present study was conducted with the purpose of investigating the effects of modernization on the Division Pattern of Gender Roles. Survey Research Method is used for this study and it is based on a sample including 227 individuals and they are living in two suburbs of Amlash city.

The division pattern of gender roles has been investigated using five parameters. It was expected that older people are less tended to accept gender equality in division of roles. But, the study indicated that division pattern of roles is the same among different age groups.

In investigating the relationship between pattern of gender roles and individuals' gender, the respondents whose gender were different, believed in gender equality in division of labour. Also, people with higher socioeconomic status believed in egalitarianism more than people with lower socioeconomic status.

In this study, modernization has been evaluated from four dimensions (cultural, social, economic, and political); the study indicated that modernization has changed the traditional division pattern of gender roles, and with people influenced by

\* Professor, Department of Social Sciences, University of Tehran (Corresponding Author),  
Anbari@ut.ac.ir

\*\* Master student, Rural Development Management, University of Tehran (article taken from the  
master's thesis), Maryam.fekri29@yahoo.com

Date received: 15/02/2020, Date of acceptance: 16/02/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access  
article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License.  
To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to  
Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۶۲ پژوهش‌نامه زنان، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

modern elements, gender attitudes against division of roles has been decreased, and also division of household and social roles are changing toward gender equality.

**Keywords:** Gender, Gender roles, Roles' patterns, Femininity, Masculinity, Modernization.

## بررسی تأثیرات نوسازی بر الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی در مناطق روستایی (مطالعه مناطق روستایی شهرستان املش)

موسی عنبری\*

مریم فکری\*\*

### چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیرات نوسازی بر الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی انجام شده است. روش پژوهش، پیمایشی و متکی بر حجم نمونه ۲۲۷ نفری در دو روستا از توابع شهرستان املش است.

الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی، با پنج شاخص ارزش‌ها و نگرش‌ها حول تقسیم نقش‌های جنسیتی، نقش‌های زنانه و مردانه در خانه، جامعه‌پذیری جنسیتی، کلیشه‌های جنسیتی و ساختار قدرت در خانواده، مورد بررسی شده است.

انتظار می‌رفت افرادی که سنین بالاتری داشته، به برابری جنسیتی در تقسیم نقش‌ها کم‌تر گرایش داشته باشند و برعکس. اما یافته‌های پژوهش نشان داد الگوی تقسیم نقش‌ها، در گروه‌های سنی مختلف، مشابه یکدیگر است.

در بررسی رابطه الگوی نقش‌های جنسیتی با جنسیت افراد، پاسخگویان با جنسیت متفاوت به مساوات‌طلبی در تقسیم کار معتقد بوده‌اند. همچنین افراد با پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتر، نگرش‌های برابری طلبانه‌تری نسبت به افراد در پایگاه پایین‌تر، داشته‌اند.

\* استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، Anbari@ut.ac.ir

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت توسعه روستایی، دانشگاه تهران، Maryam.fekri29@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

هم‌چنین، نوسازی در چهار بعد (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی) سنجیده شد و نتایج نشان داد، نوسازی موجب تغییراتی در الگوی سنتی تقسیم نقش‌های جنسیتی گردیده و با تاثیرپذیری افراد از عناصر مدرن، نگرش‌های جنسیتی در تقسیم نقش‌ها کاهش یافته و تقسیم نقش‌های خانگی و اجتماعی، بسوی تساوی‌طلبی در حال تغییر است.

**کلیدواژه‌ها:** نقش‌های جنسیتی، الگوی نقش، زنانگی، مردانگی، نوسازی.

## ۱. مقدمه

در همه جوامع، گونه‌ای تقسیم کار بر حسب جنس وجود دارد؛ یعنی برخی کارها ویژه زنان و برخی دیگر، ویژه مردان است. اما پس از به وقوع پیوستن انقلاب صنعتی، نقش‌هایی که مردان و زنان به شکلی سنتی ایفا می‌کردند، با تحولات زیادی روبرو بوده است. سرعت این تحولات، در جوامع غربی بیش از سایر جوامع بوده است و نقش‌های سنتی سریع‌تر از سایر جوامع، جایشان را به نقش‌های مدرن داده‌اند. در طی زمان از اعتبار نقش‌هایی که در آن مردان در حکم نان‌آور خانه و صاحب قدرت بودند و زنان در حکم خانه‌دار، بچه‌دار و شوهردار و فرودست در خانه، کاسته شده است. این دگرگونی‌ها، از یک طرف بر آگاهی زنان نسبت به حقوق فردی و اجتماعی خود اثر گذاشته و از طرف دیگر باعث تغییراتی در نگرش سنتی مردان نسبت به توانایی‌ها و نقش زنان در خانواده و جامعه گردیده است.

نقش جنسیتی، اهداف و اعمالی است که فرهنگ به عهده هر کدام از جنس‌ها می‌گذارد. نقش‌های سنتی رایج در فرهنگ، تأکیدهای متفاوتی برای زنان و مردان تجویز می‌کنند، به‌طور مثال کار و شغل را برای مردان و مسئولیت‌های خانه‌داری و مراقبت از کودکان را برای زنان تأکید می‌کند. اگرچه تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در نقش‌های مربوط به زنان و مردان در فرهنگ‌های مختلف وجود دارند، هیچ مورد شناخته شده از جامعه‌ای که در آن زنان قدرتمندتر از مردان باشند وجود ندارد. "کارول گیلیگان" (۱۹۸۲) معتقد است «جایگاه زنان در زندگی مردان بطور سنتی نقش یاور و مراقبت‌کننده است و با اداره خانه سر و کار دارند» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۰۵ و ۲۰۴).

یکی از عوامل تداوم تقسیم کار سنتی جنسیتی، بازتولید نگرش‌های جنسیتی تأییدکننده تقسیم کار و نظام نقش‌های جنسیتی است. این بازتولید از طریق فرایند جامعه‌پذیری در خانه و آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم در محیط‌های آموزشی، شغلی، مذهبی، سیاسی و

رسانه‌ای صورت می‌گیرد (استنلی و وایز، ۲۰۰۲: ۲۷۳-۲۷۸؛ مونی و دیگران، ۲۰۰۲: ۲۳۲-۲۳۶؛ بریک‌ول، ۱۹۹۰: ۲۱۹). بنابراین چگونگی نگرش زنان و مردان نسبت به تقسیم کار جنسیتی و نقش‌های خانگی و اجتماعی‌شان، یکی از موضوعات مهم در مطالعه دگرگونی‌های اجتماعی است. بررسی نگرش‌های جنسیتی روشن می‌سازد که جامعه تا چه حد از نظام ارزشی تاییدکننده مدل سنتی تقسیم کار جنسیتی فاصله گرفته است و این مدل تا چه حد با ارزش‌های گروه‌های مختلف اجتماعی همخوان یا ناهمخوان است. به عقیده "کاستلز" (۱۳۸۰: ۱۷۷)، فرایندی که دگرگونی در نقش‌ها و روابط قدرت در خانواده را خلاصه و متمرکز می‌سازد «گسستن خانواده پدرسالار است». به طوری که هر نسلی، در مقایسه با نسل پیشین، به تساوی حقوق زنان و مردان بیشتر متعهد می‌شود و درصد کم‌رنگ کردن تقسیم کار مبتنی بر جنس و ایجاد محیط و فرصت‌های برابر برای بروز تمامی استعدادهای انسانی زنان و مردان در حوزه‌های متفاوت اجتماعی برمی‌آید.

در جامعه ایران، واکنش به نقش‌های سنتی زنان و مردان، به اواخر قرن نوزدهم و دوران انقلاب مشروطه باز می‌گردد. در این دوران فرهنگ مردسالارانه، نقش زنان را بیش‌تر به خانه‌داری و شوهرداری محدود می‌نمود. زن در شئون انسانی و اجتماعی فروتر از مرد و تحت قیومیت وی بسر می‌برد. یکی از گویاترین منابع در تایید این بینش، رساله تادیب النسوان<sup>۱</sup> (۱۸۸۰) است که مولف از زنان می‌خواهد در سلوک و رفتار «فناهی محض در اطاعت مرد باشد و چون و چرا نداشته باشد و آنچه بگوید اطاعت کند و فرمانبرداری مرد را واجب داند...» (جوادی، ۱۹۹۲: ۳۸)، در چنین نگرشی وظیفه و کارکرد زن، فرمانبرداری از دستورات مردان است. بتدریج، با ورود جامعه ایران به دوران مدرن و آغاز فرآیند نوسازی، نه تنها عینیت، بلکه ذهنیت افراد جوامع را نیز دگرگون شد. در این میان، تحولات گسترده‌ای در نگرش افراد به توزیع نقش‌ها بوجود آمد. از این رو زنان و مردان به برداشت الگوی سنتی از نقش خود بسنده نکرده و انتظارات و نقش‌های جدیدی را برای خود لحاظ کردند. در نتیجه، تفکری که برابری میان افراد جامعه را طبیعی می‌دانست، گسترش یافت.

از آنجایی که، میزان تغییر در الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی در فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون، یکسان نبوده است، در نتیجه هدف این پژوهش، مطالعه تحولاتی است که در نتیجه گسترش نوسازی، زنان و مردان روستایی گیلان در تقسیم نقش‌های جنسیتی، با آن

مواجهه گردیده‌اند. روستاها نیز از تغییرات و دستاوردهای تکنولوژیک دنیای مدرن بی‌بهره نبوده‌اند. در جوامع روستایی گیلان، زنان از زمان‌های دور، علاوه بر ایفای نقش‌های زیستی خود (نقش مادری و همسری)، همواره در فعالیت‌های کشاورزی (کاشت، داشت و برداشت)، نگهداری و پرورش نیروی کار، خدمات اجتماعی و فرهنگی و... حضور چشم‌گیری داشته‌اند، یعنی در عرصه عمومی هم به فعالیت می‌پرداختند و فعالیت‌های پیشه‌وری و صنعتی و تجاری، امتیازهایی مخصوص مردان نبوده است. جنسیت به عنوان یکی از عوامل مهم طبقه‌بندی اجتماعی، همانند نواحی دیگر ایران، در گیلان نیز رواج داشت، اما با توجه به پایگاه اقتصادی زنان و تسامح فرهنگی که در این بخش‌ها رایج بود، همینطور، همجواری جغرافیایی با بلاد دیگر و تأثیرپذیری فرهنگی از آنان، به نسبت دیگر نواحی از شدت و حدت کمتری برخوردار بود. در یادداشت‌های مورخان، زنان گیلان، در مجامع مختلفی دیده می‌شدند که از مهمترین آن‌ها، مجالس عزاداری، تعزیه‌ها، تکایا، مساجد، مجالس استقبال از حاکمان و فرمانروایان، خیابان‌ها، بازارها، تفرج‌گاه‌های عمومی، مجالس شادی و مسابقات است (پیروزی و میرنژاد موحدی: ۱۳۸۹: ۳۸). بعنوان نمونه، زنان گیلان در تماشای بخشی از سرگرمی‌ها و مسابقات خاص مردان نیز حضور داشتند؛ چنان که ظهیرالدوله به حضور زنان جهت تماشای کشتی گیله مردی و ... جنگ در باغ مدیریه رشت، در سال ۱۳۱۷ ه.ق اشاره می‌کند (بیگی بروجنی، ۱۳۸۴: ۳۹۳). تاثیر نیز از جمله هنرهایی بود که زنان با حضور در عرصه آن، بسیاری از قیود و سنن بازدارنده حضورشان در اجتماع را از پیش روی برداشتند در سال ۱۳۰۳ در اقدامی جالب توجه، سرتیپ آیرم، فرمانده تیپ ارکان حرب گیلان، اجازه داد زنان برای تماشای تئاتر در سالن‌های نمایش حضور یابند (بیگی بروجنی، ۱۳۸۴: ۱۱۰ و ۱۰). اهمیت این فعالیت‌ها آن گاه مهم جلوه می‌کند که بدانیم به جز تهران در هیچ کدام از شهرهای گیلان تا سال ۱۳۱۰ ه.ش زنان اجازه حضور در صحنه نمایش را نداشتند (خسروپناه، ۱۳۸۱: ۱۶۵).

وجه مشترک توصیفات جهانگردان از گیلان، حضور چشمگیر زنان در مزارع برنج است. در کتاب «حدود العالم» که در سال ۳۷۲ ه.ق تالیف شده، در ارتباط با زنان و مردان گیلانی آورده شده: «ناحیت گیلان، ناحیتی آبادان و با نعمت و توانگر است و کار و کشت و برز را همه زنان‌شان کنند و مردان‌شان را هیچ کاری نیست مگر حرب...» (فخرایی، ۱۳۵۴: ۲۰۲). همچنین «رابینو» (۱۳۷۴: ۱۸) نیز معتقد است تقریباً به طور کامل، کار کشت برنج را بر عهده زنان است و می‌نویسد:

بررسی تأثیرات نوسازی بر الگوی... (موسی عنبری و مریم فکری) ۱۶۷

زن‌های گیلک خیلی بیش از مردان کار می‌کنند. در فصل برنج اگر کسی به گیلان سفر کند به هر سو نظر افکند، زن‌ها را در برنج‌زارها خواهد دید. آن‌ها زیر آفتاب سوزان نشای برنج را به مزارع منتقل می‌سازند، علف‌های هرز را وجین می‌کنند و برنج را می‌ثُرنند.

نیکیتین (Nikitine 1329) نیز شالیکاری را سخت‌ترین نوع کشاورزی در ایران دانسته و زنان گیلانی را سخت‌کوش‌ترین زنان ایرانی خوانده است (پیروزی و میرنژاد، ۱۳۸۹: ۷۹).

این توصیفات نشان از پیوند کار و زندگی زنان گیلانی و مشارکت آنان با مردان این نواحی در اجتماع است. علیرغم این واقعیت که زنان گیلانی در فعالیت‌های تولیدی حضور چشم‌گیر و مشارکت مستقیم داشته‌اند و همواره شریک مردان در کار مزارع برنج و باغات چای و مرکبات و دامداری و... بوده‌اند از حقوق ناشی از فعالیت‌هایشان، برخوردار نبودند و مردان نقش تعیین‌کننده در خانواده و اجتماع خود داشتند. بنظر می‌رسد در چند دهه اخیر، تأثیرپذیری جامعه ایران از فرایندهای فکری، اقتصادی و اجتماعی مدرن، موقعیت و جایگاه اقتصادی اجتماعی زنان را دستخوش تغییراتی بنیادین کرده است و در این میان، تقسیم نقش‌ها و وظایف بین جنسیت‌ها، در قسمت‌هایی از گیلان (که بخشی از آن مورد مطالعه این پژوهش می‌باشد) با انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به سایر نقاط ایران صورت گرفته و نقش‌های زنان و مردان چه در عرصه خصوصی و چه در عرصه عمومی به سمت همکاری و مشارکت پیش رفته است، در پی این امر، زنان، بعنوان یک وزنه سنگین و افرادی موثر در خانه و جامعه روستایی خویش محسوب می‌شوند. حال با توجه به مطالب گفته شده، این پژوهش با مطالعه مکانیسم این تغییرات، به دنبال بررسی تأثیرات نوسازی بر الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی در روستاهای شهرستان املش خاصه دو روستای آزاربن علیا و آزاربن سفلی است.

## ۲. چهارچوب نظری

در تقسیم‌بندی کلی می‌توان نظریاتی که در پی تحلیل و تبیین شکل‌گیری و تغییر الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی هستند را زیر دو مجموعه نظریات ذات‌گرایانه و سازه‌گرایانه دسته‌بندی نمود. ذات‌گرایان بر ویژگی‌های بیولوژیک تأکید می‌نمایند و از منظر آن‌ها، مردانگی معطوف به خصیصه‌های ذاتی جنس مذکر و زنانگی نیز معطوف به خصیصه‌های

ذاتی جنس مونث است (بر، ۱۹۹۸: ۳۲). محققانی که موافق مکتب فکری «تفاوت طبیعی» هستند، معتقدند تقسیم کار بین زن و مرد مبنای بیولوژیک دارد. مردان و زنان مطابق سرشت‌شان عمل می‌کنند. از این رو مرداک (Murdock) مردم شناس می‌گوید هم عملی است و هم مفید که زنان مسئولیت خانه‌داری و خانواده را برعهده گیرند و مردان بیرون از خانه کار کنند (گیدنز و ساتن، ۱۳۹۶: ۱۶۶).

کارکردگرایی چون پارسونز، که در تبیین تقسیم کار سستی جنسیتی تفاوت زیست‌شناسانه دو جنس را با اهمیت می‌داند، تقسیم کار بر مبنای جنس را با عباراتی چون «شایستگی زیستی زنان برای مراقبت از دیگران» و «مادری کردن یا ایفای نقشی پر احساس» توجیه می‌کنند. این بدان معنی است که زنان، قدرت جسمانی لازم برای بسیاری از کارها را ندارند (براتی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۲). از دید پارسونز، خانواده با تقسیم کار جنسی روشن که در آن زن نقش عاطفی و مرد نقش ابزاری دارد و نان‌آور خانواده است، بهتر عمل می‌کند (گیدنز و ساتن، ۱۳۹۶: ۱۶۶).

از سوی دیگر، سازه‌گرایی به عنوان مکتبی انتقادی با به چالش کشیدن دیدگاه ذات‌گرایی، بر آن است که نقش‌های جنسیتی برساخته‌ای اجتماعی است. بر اساس دیدگاه سازه‌گرایی نقش‌ها، انتظارات و ویژگی‌هایی که در یک جامعه به زن و مرد نسبت داده می‌شوند، ذاتی زن یا مرد نیستند بلکه ساخته جامعه بوده و در یک فرآیند تاریخی شکل گرفته و از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا کرده‌اند (ذکایی و قاراخانی، ۱۳۸۶: ۶۰). مطالعات "گارفینکل" از نخستین مطالعاتی است که مدعی بود جنسیت از طریق تعامل بین افراد آموخته و اجرا شود. او معتقد بود آنچه تعیین‌کننده رفتار افراد است، این است که آن‌ها از چه طریقی دنیای پیرامون خود را درک می‌کنند. از نظر گارفینکل، جنسیت و نقش جنسی، فرهنگ محورند (هولمز، ۱۳۹۱: ۷۵). گارفینکل اعتقاد داشت زن یا مرد زاده‌شدن برای زن و مرد بودن کفایت نمی‌کند، بلکه برای معرفی شدن به عنوان زن یا مرد باید همه رفتارهای معمول زنان و مردانه را یاد بگیرند و هر روز آن را از خود نشان دهند (ریترز، ۱۳۸۲: ۳۷۷).

فمینیست‌ها نیز منتقد ادعای بیولوژیک بودن تقسیم کار جنسی‌اند. تمام فمینیست‌ها بر این باورند که باید فرودستی زنان را فهمید و زنان را آزاد کرد. آنها معتقدند در جامعه هیچ چیز طبیعی یا اجتناب‌ناپذیری در زمینه تخصیص وظایف وجود ندارد. بر اساس



بررسی تأثیرات نوسازی بر الگوی... (موسی عنبری و مریم فکری) ۱۶۹

ویژگی‌های بیولوژیکی زنان درهای مشاغل به رویشان بسته نیست بلکه انسان‌ها برای نقش‌هایی اجتماعی می‌شوند که به طور فرهنگی از آنان انتظار می‌رود (گیدنز و ساتن، ۱۳۹۶: ۱۶۷). در این میان، فمینیست‌های لیبرال به دنبال اثبات این نکته بوده‌اند که تفاوت‌های قابل مشاهده میان دو جنس، نتیجه جامعه‌پذیری و «همگون‌سازی جنس و نقش» است.

آن اُکلی معتقد است تقسیم کار جنسی، ساخته و پرداخته اجتماع است و ربطی به تفاوت‌های طبیعی دو جنس ندارد؛ یعنی شغل‌ها مَهر زنانه و مردانه می‌خورند (ابوت و والاس، ۱۳۸۰: ۱۲۶).

گیدنز با استفاده از مفهوم بازاندیشی معتقد است:

درحالی‌که در گذشته خانواده واحدی اقتصادی بود و پیوندها در زندگی خانوادگی بیش‌تر از هر چیز به دلایل اقتصادی و گاهی دلایل استراتژیک سیاسی شکل می‌گرفت، چنین چیزی هم‌اکنون تا حد زیادی از بین رفته و در فرهنگ‌ها و جوامع سستی نیز هر روز کمتر و ضعیف‌تر می‌شود، چون تغییراتی که با جهانی شدن در ارتباط‌اند، کم و بیش بر همه نقاط جهان تأثیر می‌گذارند به عقیده گیدنز به‌نظر می‌رسد در بسیاری از خانوارها حرکتی به سمت روابط مساوات‌خواهانه‌تر در جریان است؛ هرچند بار مسئولیت اکثر کارهای خانه‌داری همچنان بر دوش زنان باقی مانده است (گیدنز، ۱۹۹۰: ۴۲-۴۳).

اسملسر (۱۹۶۳) نیز معتقد است «در جامعه‌ی مدرن، نهاد خانواده دچار تمایز ساختاری شده است و بسیاری از وظایف گذشته خود را از دست داده است» (ی.سو، ۱۳۸۸: ۴۰). یکی از نتایج این فرایندهای پیچیده، پایگاه تغییر یابنده زنان است که دیگر به لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در مقایسه با شرایط گذشته کم‌تر مطیع و زیردست شوهرانشان خواهند بود. این نوع تمایز ساختاری نکته‌ای مهم در امر تحلیل نقش‌های جنسیتی است.

### ۳. سابقه مطالعاتی

"لی" در یک مطالعه مقایسه‌ای، با استفاده از سنجه‌ای به نام «نگرش برابری‌گرایی نقش‌های جنسیتی» نمونه‌هایی از دانشجویان هنگ‌کنگی (چینی) و آمریکایی را با هم مقایسه کرد.

براساس یافته‌های او، چینی‌ها در ارتباط با نگرش جنسیتی شغلی کمتر از آمریکایی‌ها برابری طلب بودند، ولی در نگرش جنسیتی خانگی در مجموع تفاوتی بین آمریکایی‌ها و چینی‌ها دیده نشد، اما زنان چینی از این نظر بیش از هم‌متایان آمریکایی خود، برابری‌گرا بودند. از نظر تفاوت نگرش زنان و مردان در مجموع پژوهش وی نشان داد، برابری‌گرایی زنان بیش از مردان است. با وجود این، در نمونه آمریکایی از حیث نگرش جنسیتی خانگی تفاوت چندانی بین زنان و مردان دیده نشد. به‌علاوه، در نگرش جنسیتی شغلی تفاوت زنان و مردان در هر دو فرهنگ به یک میزان بود. چنانگ از این یافته‌ها نتیجه می‌گیرد که تغییرات اجتماعی و ایدئولوژی برابری‌گرای جنسیتی، زندگی عمومی را بیش از زندگی خصوصی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در عرصه خصوصی (خانگی) سنت‌های فرهنگی مقاوم‌تر هستند (لی، ۱۹۹۹: ۷۳۶-۷۸).

شفیر و همکارانش (۲۰۰۳: ۲۹۷-۳۰۳) یک پژوهش مقایسه‌ای بین نمونه‌ای از زنان دانشجوی آمریکایی و اوکراینی صورت دادند و نگرش جنسیتی در این پژوهش با پرسش‌نامه لیکرت متشکل از ۱۶ گویه سنجیده شد. این گویه‌ها به انتظارات و ترجیحات نقشی زن و مرد به خصوص در روابط اجتماعی مربوط می‌شدند. نتیجه حاصل از مطالعه آنان، بیانگر این امر بود که زنان اوکراینی دارای نگرش جنسیتی محافظه‌کارانه‌تری نسبت به زنان آمریکایی بودند.

اورتسون و نرمو (Evertsson and Neramo ۲۰۰۴) در تحقیقی با عنوان وابستگی درون خانواده‌ها و تقسیم کار خانگی از مقایسه سوئد و ایالات متحده به این نتیجه رسیدند که اگرچه زنان در ۳۰ سال گذشته مشارکت‌شان را در درآمد خانواده افزایش داده‌اند اما مشارکت مردان در تقسیم کارخانگی تغییری به وجود نیامده است. در کشور آمریکا جنسیت تعیین‌کننده انجام کار خانگی است در صورتی که در سوئد منابع نسبی در رتبه اول قرار دارد که در ادامه یکی از علت‌های آن را، تبلیغات اجتماعی تقسیم کار خانگی در کشورهای اسکاندیناوی عنوان می‌کنند.

بتنکورت و همکاران (Bettencourt ۲۰۱۱) در بررسی مقایسه‌ای نگرش نسل جدید و نسل قدیم نسبت به نقش‌های جنسیتی دریافتند که نگرش به نقش‌های جنسیتی در نسل جدید لیبرال‌تر شده است. نکته جالب در تحقیقات آنان، این بود که در نسل جدید، نگرش سیاسی مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده نگرش به نقش‌های جنسیتی است، در حالی که در

نسل قدیم، مذهب و نگرش سیاسی مهم‌ترین عامل هستند. همچنین در پژوهش دیگری با عنوان بررسی تحولات نقش‌های جنسیتی در بین دانشجویان که توسط گلدبرگ و همکاران (۲۰۱۲) انجام شده است، این نتیجه حاصل شد که نگرش به نقش‌های اقتصادی و خانوادگی تغییر یافته و در بین دانشجویان دختر، اشتغال مادران نقش موثری در تحولات نگرشی آنها نسبت به نقش‌های سنتی داشته است. تحولات در نگرش به نقش‌های جنسیتی تأثیرات متفاوتی در ابعاد مختلف زندگی همچون فرزندآوری و تقسیم جنسیتی وظایف در منزل داشته است (فلاحی، ۱۳۹۳: ۴۲).

در ایران، پژوهش‌هایی که مستقیماً به موضوع تفاوت نگرش‌های جنسیتی مردان و زنان پردازند، نادر است. اما نتایج برخی از آنها به شرح زیر می‌باشد.

یافته‌های طرح «پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» حاکی از آن است که از نظر مردم ایران مشاغل فنی، رانندگی تاکسی و اتوبوس و ریاست جمهوری عمدتاً مشاغل مردانه هستند، به طوری که به ترتیب ۶۹، ۷۷ و ۵۶ درصد پاسخگویان با اشتغال به کار زنان در این مشاغل مخالف بوده‌اند. در عین حال نسبت زنانی که با تصدی زنان در این مشاغل مخالف بوده‌اند حدود ۵ تا ۱۰ درصد کمتر از مردان است. با وجود این، نزدیک سه چهارم (۷۲ درصد) پاسخگویان با این عبارت که «وظیفه زن‌ها خانه‌داری است و نباید بیرون از خانه کار کنند». نسبت کسانی که با عبارت فوق مخالف بوده‌اند در بین زنان و مردان به ترتیب ۸۱ درصد و ۶۴ درصد بود (دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۸۲: ۷۲-۶۳). به این ترتیب این یافته‌ها حاکی از آن است که زنان دارای نگرش جنسیتی برابری طلبانه‌تری بودند.

نتایج پژوهش مرکز مطالعات و تحقیقات زنان حاکی از آن است که بخش قابل ملاحظه‌ای از زنان به تقسیم کار جنسیتی سنتی مبتنی بر تفوق و اولویت مردان در بهره‌مندی از فرصت‌های اقتصادی، گرایش دارند، به طوری که ۶۸ درصد از زنان پاسخ‌گو معتقد بودند که فرصت‌های شغلی باید به مردان واگذار شود و فقط ۴۷ درصد از آنان برای خود حق انتخاب شغل قائل بودند (گزارش طرح نیازسنجی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان کشور، ۱۳۸۲: ۳۵).

در پژوهشی پیرامون نقش‌های زیستی، فرهنگی و اجتماعی زنان در روستاهای قاسم‌آباد گیلان، نقش‌های زنان در نظام خانواده، در ارتباط با همسر و فرزندان، در نظام کلی اجتماع

مورد مطالعه قرار گرفته و نتایج بدست آمده از این پژوهش، بیانگر این موضوع است که به دلیل برخورداری از شرایط ویژه زیست محیطی و جغرافیایی (قرار گرفتن در بین کوه و دریا) این منطقه، الگوی ویژه‌ای در تعیین فعالیت‌های اعضای خود اعمال می‌شود. زیرا در این منطقه آنچه اصل است تولید است و فرهنگ مردم در تقسیم کار جنسی از تولید تبعیت می‌کند، بنابراین می‌توان گفت در این جامعه جبر زیست محیطی تعیین‌کننده فعالیت اعضای جامعه است (محب حسینی: ۱۳۷۱).

عبدالهیان (۱۳۸۳: ۷۰-۸۱) در مقاله‌ای که برگرفته از یافته‌های یک پژوهش پیمایشی درباره تفاوت‌های نسلی است، تلاش می‌کند تا تفاوت نگرش جنسیتی نسل‌ها را با استفاده از یک مدل تحلیلی با توجه به تفاوت‌های سنی، جنسی و طبقاتی تبیین کند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که موافقت زنان با گویه‌های مربوط به نگرش‌های جنسیتی برابری طلبانه حدود ۲۰ درصد بیش از مردان است. با وجود این، حدود نیمی از زنان با تقسیم کار مبتنی بر اولویت و رجحان مردان در عرصه‌های شغلی و سیاسی موافق بوده‌اند. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت زنان و مردان در نگرش‌های جنسیتی در گروه‌های سنی پایین (۱۳-۲۹ ساله) بیش از گروه‌های سنی میانی (۳۰-۴۶) و بالا (۴۷-۸۲ ساله) است. یعنی، زنان و مردان متعلق به گروه‌های سنی بالاتر دارای نگرش جنسیتی یکدست‌تری هستند و نگرش آنها در مقایسه با جوان‌ترها تبعیض‌آمیزتر است. به عبارت دیگر، زنان متعلق به گروه‌های سنی بالاتر بیشتر پذیرای نقش‌های جنسیتی سستی مبتنی بر اولویت مردان هستند.

در پژوهش دیگری، یعقوبی به بررسی تطبیقی فرهنگ مردانگی در اقوام استان گیلان پرداخته و گونه‌های مردانگی (درون قومی و بین قومی) در استان گیلان را مشخص کرده است. نکته مهمی که در این پژوهش آمده این است که؛ از نظر بین قومی نیز، مردان گیلک در مقایسه با مردان اقوام تالش، ترک و کرد متفاوت به نظر می‌رسند. آنها مردانگی را نه بر اساس قدرت و توان بدنی، بلکه در قالب عقلانیت و رفتار ملایم، توأم با مهربانی و مساعدت در خانواده و موفقیت در امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهند. نتایج تحقیقات او بیانگر این امر است که گونه‌های متعددی از مردانگی سستی، سستی-مدرن، مدرن و نامتمايز در استان گیلان وجود دارد در نتیجه برخلاف منطق فمینیست‌ها، مردانگی

بررسی تأثیرات نوسازی بر الگوی... (موسی عنبری و مریم فکری) ۱۷۳

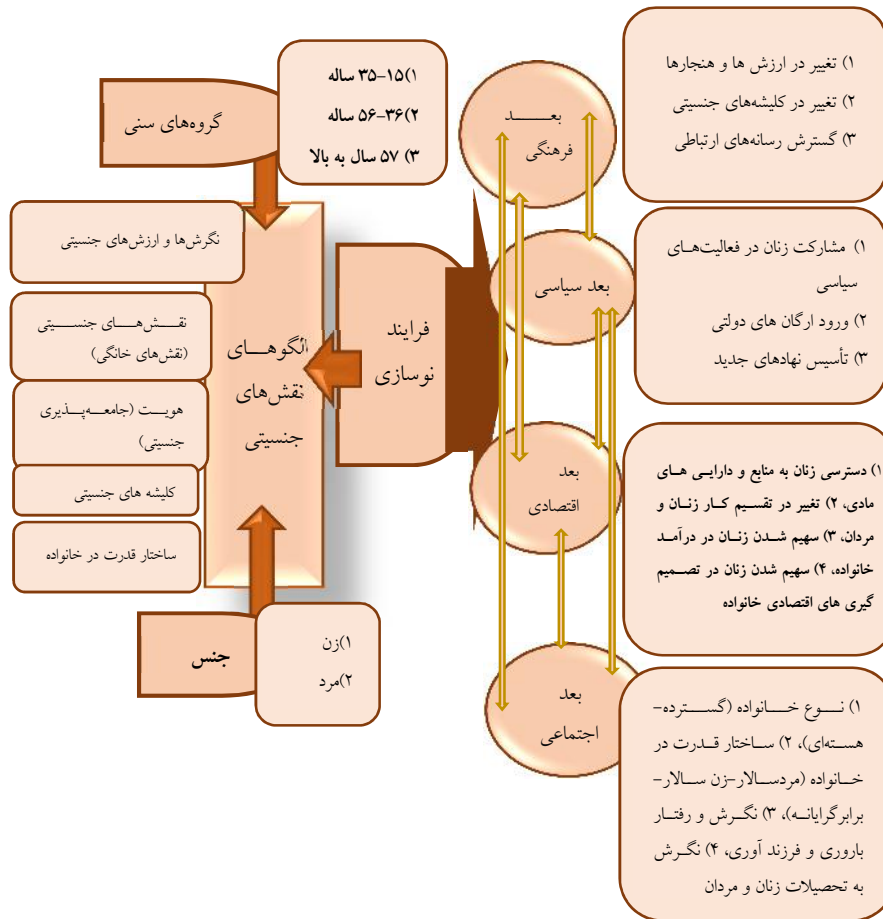
و زنانگی دو قطب مخالف نیستند بلکه هم‌زمان در هر دو جنس وجود دارد (یعقوبی، ۱۳۹۰: ۵).

به‌طور کلی پیشینه پژوهشی بیانگر این موضوع است که الگوی نقش‌های جنسیتی در اکثر جوامع، دچار تحول شده و این امر نه تنها بر ابعاد زندگی فردی بلکه بر زندگی اجتماعی و خانوادگی نیز تأثیر دارد.

#### ۴. روش‌شناسی

در این پژوهش متغیر نقش‌های جنسیتی با پنج شاخص (نگرش‌ها و ارزش‌ها به تقسیم نقش‌های جنسیتی، نقش‌های جنسیتی در منزل، هویت (جامعه‌پذیری) جنسیتی، کلیشه‌های جنسیتی و ساختار قدرت در خانواده) و هر شاخص با چندین گویه سنجیده شده است. هم‌چنین متغیر جنس (زن و مرد) و سن، در سه گروه سنی ۱۵-۳۵ ساله، ۳۶-۵۶ ساله، و ۵۷ ساله به بالا دسته‌بندی شده است.

با توجه به مطالعات انجام شده و نیز با عنایت به موضوع پژوهش، مهمترین عامل تأثیرگذار در الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی، نوسازی و ورود مدرنیته به جوامع روستایی در نظر گرفته شده است. این پژوهش الگوی نوسازی را در چهار بعد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مورد بررسی قرار داده است. تمام این ابعاد بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. در بعد اجتماعی نوسازی، نوع و بعد خانواده و هم‌چنین ساختار قدرت در خانواده مورد مطالعه قرار گرفته شده است. در بعد اقتصادی، دسترسی زنان به منابع و دارایی‌های مادی، تغییر در تقسیم کار زنان و مردان، سهم شدن زنان در درآمد خانواده و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده بررسی شده است. بعد دیگری از نوسازی، بعد فرهنگی است که شامل تغییر در ارزش‌ها و هنجارها، تغییر در کلیشه‌های جنسیتی و گسترش رسانه‌های ارتباطی است. آخرین بعد نوسازی که در پژوهش حاضر بررسی شده است، نوسازی سیاسی است. در این بعد نیز، مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی، تأسیس نهادهای جدید مانند شورای روستا و میزان همکاری مردم با آنها مورد بررسی قرار گرفته است.



شکل ۱. مدل تحلیلی تحقیق

پژوهش حاضر، از روش پیمایشی بهره برده و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه بوده است. جامعه آماری پژوهش، کلیه زنان و مردان ۱۵ سال به بالای روستاهای آزاربن علیا و سفلی می‌باشند. طبق آخرین آمار، در سال ۱۳۹۵ جمعیت کل روستاهای آزاربن علیا ۳۸۶ نفر و جمعیت آزاربن سفلی ۲۴۰ نفر است. برای برآورد حجم نمونه با دراختیار داشتن حجم کل جامعه آماری، از فرمول کوکران استفاده شده است و ۲۲۷ نفر از دو جنس زن و مرد، مورد پرسش قرار گرفته‌اند. همسازی درونی مفاهیم و متغیرهای چند گویه‌ای این تحقیق که ضریب آلفای کرونباخ مبین آن است، نسبتاً بالا است و در جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ۱. ضریب آلفای کروناخ محاسبه شده برای شاخص‌های مختلف

ضریب (a)	متغیر
۰/۸۵	ارزش‌ها و نگرش‌ها به نقش جنسیتی
۰/۷۶	نقش‌های زنانه و مردانه در خانه
۰/۷۴	هویت (جامعه پذیری) جنسیتی
۰/۷۱	کلیشه‌های جنستی
۰/۶۲	ساختار قدرت در خانواده
۰/۷۵	نوسازی فرهنگی
۰/۸۱	نوسازی اقتصادی
۰/۷۲	نوسازی سیاسی
۰/۷۵	نوسازی اجتماعی

## ۵. یافته‌های پژوهش

### ۱.۵ یافته‌های توصیفی

از کل جمعیت نمونه، بیش از ۴۲ درصد در گروه سنی ۳۶ تا ۵۶ ساله قرار دارند. بیش‌تر از ۴۰ درصد پاسخگویان نیز، در گروه سنی ۱۵-۳۵ سال قرار گرفته‌اند. از کل نمونه تحقیق، ۴۴ درصد (۱۰۲ نفر) مرد و ۵۵ درصد دیگر (۱۲۵ نفر) زن بوده‌اند.

بر اساس یافته‌های بدست آمده، ۱۵۵ نفر از پاسخگویان یعنی ۶۸ درصد حجم نمونه، متأهل بودند. بیشترین انباشتگی و تجمع نمونه از حیث تحصیل در دو گروه ابتدائی و سیکل و همچنین متوسط و دیپلم، با بیش از ۳۴ درصد حجم نمونه در هر گروه وجود دارد و کم‌ترین تجمع در مقطع تحصیلات دانشگاهی در طبقه کارشناسی‌ارشد و دکتری مشاهده می‌شود. از آنجایی که درصد بالایی از جمعیت نمونه ما در این پژوهش متعلق به گروه سنی ۱۵-۳۵ سال می‌باشد و معمولاً افراد در این سن در حال تحصیل‌اند، به‌نظر می‌رسد که آمار کسانی که تحصیلات عالی دارند، در این دو روستا پایین است.

افراد بر اساس وضعیت‌های شغلی به شش گروه تقسیم شده‌اند و بیشترین جمعیت نمونه در دسته خانه‌دار (۲۵ درصد) قرار دارند. کمترین تجمع نمونه در دسته مشاغل آزاد (کارهایی مانند: دستفروشی، بنائی و کارهای خدماتی و ..) وجود دارند. بیشترین تجمع نمونه در دو گروه درآمدی بین ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون و ۱ میلیون تا ۱ میلیون و

۵۰۰ هزار تومان، که هر گروه با ۳۲/۵ درصد از حجم نمونه قرار دارند و کم‌ترین جمعیت نمونه نیز در گروه درآمدی کمتر از ۵۰۰ هزار تومان قرار دارند.

از نظر نوع خانواده، بیش از ۸۵ درصد افراد بصورت مستقل زندگی می‌کنند. یعنی خانواده گسترده در این روستا بطور چشمگیری کم شده است و معمولاً افراد ترجیح‌شان بر زندگی مستقل و با همسر و فرزندان مجردشان می‌باشد. بیشتر خانواده‌ها، در گروه ۳ نفره (حدود ۳۰ درصد)، قرار دارند، این مسئله بیانگر نرخ فرزندآوری پایین در دو روستا می‌باشد.

جدول ۲. توزیع پاسخگویان بر حسب سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات و شغل

درصد	فراوانی	متغیر	
۴۰/۱	۹۱	۱۵ تا ۳۵ سال	رده سنی
۴۲/۳	۹۶	۳۶ تا ۵۶ سال	
۱۷/۶	۴۰	۵۷ سال به بالا	
۱۰۰/۰	۲۲۷	کل	
۵۵/۰۶	۱۲۵	زن	جنسیت
۴۴/۹۳	۱۰۲	مرد	
۲۷/۷۵	۶۳	مجرد (هرگز ازدواج نکرده)	وضعیت تأهل
۳/۵۰	۹	مجرد (بدون همسر)	
۶۸/۲۸	۱۵۵	متاهل	
۱۱/۴۵	۲۶	بی سواد	تحصیلات
۳۴/۳۶	۷۸	ابتدائی و سیکل	
۳۴/۳۶	۷۸	متوسطه و دیپلم	
۱۸/۰۶	۴۱	کاردانی و کارشناسی	
۱/۷۶	۴	کارشناسی ارشد و دکتری	
۲۳/۷۸	۵۴	بیکار (و در حال تحصیل)	شغل
۲۵/۵۵	۵۸	خانه‌دار	
۱۷/۱۸	۳۹	کشاورز	
۹/۹۶	۲۲	کارمند (بازنشسته)	
۶/۶۰	۱۵	آزاد	
۱۷/۱۸	۳۹	سایر (دو شغله) <sup>۳</sup>	
۸۵/۰۲	۱۹۳	مستقل	نوع خانواده



بررسی تأثیرات نوسازی بر الگوی... (موسی عنبری و مریم فکری) ۱۷۷

۱۴/۵۳	۳۳	با خانواده همسر (یا خانواده پدری یا مادری)
۰/۴۴	۱	بی‌پاسخ

## ۲.۵ یافته‌های تحلیلی

الگوی نقش‌های جنسیتی، در دو جنس و سه گروه سنی مورد بررسی قرار گرفته است، شاخص‌های متغیر الگوی نقش‌های جنسیتی در رابطه با سن به تفکیک سه گروه سنی به‌وسیله آزمون تحلیل واریانس تک متغیره بررسی شده است.

جدول ۳. توزیع میانگین پاسخ‌گویان برحسب شاخص‌های الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی به تفکیک گروه سنی

شاخص	گروه‌های سنی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون تحلیل واریانس یک طرفه One-Way ANOVA	
					F	معناداری
۱- ارزش‌ها و نگرش‌ها نسبت به نقش‌های جنسیتی	۳۵-۱۵	۸۸	۸۳/۴۵	۱۲/۷۴	۱/۹۵	۰/۱۴۵
	۵۶-۳۶	۹۲	۸۳/۶۰	۱۲/۸۳		
	۵۷ به بالا	۳۸	۸۷/۹۴	۱۱/۶۱		
۲- نقش‌های زنانه و مردانه در منزل	۳۵-۱۵	۹۱	۲۷/۶۰	۷/۳۰	۱/۲۴	۰/۲۸۹
	۵۶-۳۶	۹۵	۲۹/۰۴	۷/۳۵		
	۵۷ به بالا	۴۰	۲۹/۵۵	۸/۷۷		
۳- هویت (جامعه‌پذیری) جنسیتی	۳۵-۱۵	۸۹	۶۰/۸۳	۶/۹۰	۰/۱۱۵	۰/۸۹۱
	۵۶-۳۶	۹۶	۶۱/۲۳	۸/۵۶		
	۵۷ به بالا	۴۰	۶۱/۵۲	۹/۶۳		
۴- کلیشه‌های جنسیتی	۳۵-۱۵	۹۰	۲۸/۰۸	۴/۸۱	۰/۳۹۶	۰/۶۷۴
	۵۶-۳۶	۹۲	۲۸/۵۰	۵/۰۶		
	۵۷ به بالا	۳۹	۲۸/۸۹	۴/۹۰		
۵- ساختار قدرت در خانواده	۳۵-۱۵	۸۸	۸۳/۴۵	۱۲/۷۴	۱/۹۵	۰/۱۴۵
	۵۶-۳۶	۹۲	۸۳/۶۰	۱۲/۸۳		
	۵۷ به بالا	۳۸	۸۷/۹۴	۱۱/۶۱		

باتوجه به نتایج بدست آمده از جدول فوق، در گروه‌های سنی مختلف، ارزش‌ها و نگرش‌ها نسبت به نقش‌های جنسیتی چندان تفاوتی با هم ندارند. بنابراین نگرش افراد مسن به نقش‌های زنانه و مردانه نسبت به جوانان پاسخگو، جنسیتی‌تر و مردسالارانه‌تری نبوده و تفاوت فاحشی از لحاظ نگرش بین افراد در سنین مختلف وجود ندارد. این همان نکته خاصی است که در این مناطق دیده می‌شود و نشان از نزدیکی گروه‌های مختلف سنی در دیدگاه‌هایشان نسبت به نقش‌های جنسیتی دارد. بنظر می‌رسد، حتی افراد مسن این جامعه نیز، با توجه به اینکه در دوره پدرسالاری و برتری جنش مذکر به مونث می‌زیستند نیز، در دیدگاه‌ها و نگرش‌هایشان تغییراتی ایجاد کرده‌اند و نگرشی نزدیک به افراد جوان جامعه مورد نظر، دارند. همچنین از لحاظ رفتاری، برای ایفای نقش‌های زنانه و مردانه در خانه، بین گروه‌های سنی مختلف در حال حاضر، تفاوت وجود ندارد. همان نقش‌های مردانه و زنانه همانطور که برای نسل جوان این جامعه تعریف شده است، برای گروه‌های سنی مسن‌تر نیز به همین صورت است.

در بررسی سومین شاخص از الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی نیز مشخص شد، تفاوتی در جامعه‌پذیری افراد مسن نسبت به جوانان وجود ندارد. در واقع مجموعه انتظارات درباره رفتاری که برای افراد هر جنس (زن و مرد) مناسب تلقی می‌شود، در بین همه گروه‌ها یکسان است. همچنین تفاوت میانگین نمره کلیشه‌های جنسیتی در بین گروه‌های مختلف سنی، معنی‌دار نبوده است، اینگونه نیست که بعنوان مثال مردان نسبت به نقش‌های زنانه و مردانه، کلیشه‌ای‌تر ببینند و بالعکس. در واقع بر اساس نتایج بدست آمده، می‌توان مدعی شد در این جامعه حاکمیت کلیشه‌های جنسیتی بر اساس برتری مردان بر زنان کم‌رنگ است.

آخرین شاخص مورد بررسی، ساختار قدرت در خانواده بود که نتایج بدست آمده نشان داد در سه گروه سنی مورد بررسی، ساختار قدرت در خانواده همانند هم است. بدین معنا که مسن بودن افراد نشان‌دهنده قدرت بیشتر آنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده نیست.

در کل، نتایج بدست آمده بیانگر این امر است که، نظرات پاسخگویان در سنین مختلف از لحاظ شاخص‌های الگوی نقش‌های جنسیتی، به هم نزدیک است و نه تنها مردسالارانه نیست بلکه به سوی برابری‌طلبی در حرکت است. این نوع نگرش، کلیشه‌های

جنسیتی که در جامعه ایرانی رواج دارد، در هم شکسته و تعریف جدیدی از زنانگی و مردانگی ارائه داده است. افراد جوامع مورد مطالعه به توانایی‌های زنان همچون مردان باور دارند و همین مسئله باعث شده است زنان این جوامع نیز جایگاه مهمی در خانواده و اجتماع‌شان داشته باشند و طرح‌واره‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی که مردان را برتر از زنان دانسته، در این جامعه بطور چشمگیری کمرنگ شده است. نابرابری‌هایی که روزگاری ذاتی و طبیعی تلقی می‌شد، در حال حاضر پایگاه خود را در ذهن و فکر زنان و مردان این جوامع تقریباً از دست داده است.

جدول ۴. توزیع میانگین پاسخ‌گویان در مورد شاخص‌های الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی (ارزش‌ها و نگرش‌ها) به تفکیک جنس

آزمون t دو نمونه مستقل				انحراف معیار	میانگین	تعداد	جنسیت	شاخص
تفاوت میانگین	معناداری	درجه آزادی	t					الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی
-۶/۹۹	۰/۰۰	۲۱۶	-۴/۲۴۱	۱۱/۹۸	۸۱/۱۵	۱۲۰	زن	ارزش‌ها و نگرش‌ها نسبت به نقش جنسیتی
				۱۲/۲۶	۸۸/۱۵	۹۸	مرد	
۸/۴۶	۰/۰۰	۲۲۴	۹/۹۵۸	۵۱/۶	۳۲/۳۳	۱۲۵	زن	نقش‌های زنانه و مردانه در منزل
				۶/۱۵	۲۳/۸۷	۱۰۱	مرد	
-۵/۴۴	۰/۰۰	۲۲۳	-۵/۲۸۷	۷/۹۰	۵۸/۶۸	۱۲۴	زن	هویت (جامعه‌پذیری) جنسیتی
				۷/۳۹	۶۴/۱۲	۱۰۱	مرد	
۰/۹۰۱	۰/۱۷	۲۱۹	۱/۳۵۴	۴/۷۵	۲۸/۷۹	۱۲۴	زن	کلشه‌های جنسیتی
				۵/۱۱	۲۷/۸۹	۹۷	مرد	
۲/۶۶	۰/۰۷	۲۱۸	۱/۸۹۴	۹/۹۷	۳۶/۳۸	۱۲۲	زن	ساختار قدرت در خانواده
				۱۰/۸۲	۲۳/۷۲	۹۸	مرد	

نتایج حاصل از آزمون شاخص‌های الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی با متغیر جنسیت، نشان از این امر دارد که زن یا مرد بودن افراد، بر نگرش و ارزش‌هایشان، نقش‌هایی که زنان و مردان در خانه برعهده می‌گیرند و همین‌طور جامعه‌پذیری جنسیتی آنان، تاثیرگذار بوده است. با توجه به نتایج بدست آمده؛ در این مناطق، همچنان الگوی تقسیم کار جنسی

ستی در خانه، که زنان مسئول اداره امور خانه و نگهداری از فرزندان و پخت و پز و ... می‌داند، وجود دارد و این دیدگاه در بین زنان پاسخگو، بیش از مردان پاسخگو است. اما از لحاظ نگرش و جامعه‌پذیری جنسیتی، الگو تقسیم جنسیتی نقش‌ها، در مردان پاسخگو بیش از زنان نهادینه شده است. از سوی دیگر، جنسیت افراد بر کلیشه‌های جنسیتی رایج و همچنین ساختار قدرت در خانواده تاثیر نداشته است. این امر بدین معناست که تفاوتی در باورهای زنان و مردان نسبت به کلیشه‌های جنسیتی رایج و صفات مردانه و زنانه وجود ندارد. از آنجایی که جنسیت افراد بر ساختار قدرت آنان در خانواده نیز تاثیری نداشته و مشارکت زنان در اتخاذ امور اساسی خانواده، مانند مسکن و چگونگی هزینه منزل، افزایش یافته است، بنابراین هرچند، الگوهای مردسالاری در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده در این جوامع، بطور کامل از بین نرفته اما می‌توان مدعی شد که هرم قدرت مردان به سوی افقی شدن در حال تغییر است.

جدول ۵. تحلیل واریانس تک متغیره الگوی نقش جنسیتی

آزمون تحلیل واریانس دو طرفه								
شاخص	متغیر مستقل		تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون لون		
	زن	مرد				F	معناداری	
سن	۱۵ تا	زن	۶۰	۲۳۲/۴۸	۱۹/۸۸	۰/۶۸۸	۰/۶۳۳	
	۳۵	مرد	۳۰	۲۳۴/۰	۱۶/۹۶			
	۳۶ تا	زن	۴۴	۲۳۵/۰۹	۱۴/۱۸			
		۵۶	مرد	۴۵	۲۳۲/۲۶			۱۲/۷۷
	۵۷ به بالا	زن	۱۹	۲۴۱/۱۵	۱۵/۰۶			
		مرد	۲۰	۲۳۴/۶۵	۱۴/۷۵			
	جنس	زن		۱۲۳	۲۳۴/۷۵			۱۷/۴۴
		مرد		۹۵	۲۳۳/۳۱			۱۴/۵۰
		کل		۲۱۸	۲۳۴/۱۲			۱۶/۲۱

بر اساس نتایج جدول ۵، میانگین نمره الگوی نقش جنسیتی در زنان (۲۳۴/۷۵) و مردان (۲۳۳/۳۱) تفاوت ناچیزی دارد. همچنین میانگین نمره الگوی نقش جنسیتی در رده‌های سنی گوناگون نیز تفاوت اندکی دارد.

جدول ۶. بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و نمره الگوی نقش‌های جنسیتی

پایگاه اقتصادی - اجتماعی			متغیر مستقل متغیر وابسته
تعداد	سطح معناداری	نمره همبستگی پیرسون	
۲۰۳	۰/۰۰۵	-۰/۵۹۷	الگوی نقش‌های جنسیتی

متغیر بعدی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی (جدول ۶) است که به عنوان ترکیبی از سه شاخص تحصیلات، شغل و درآمد، بدست آمده است و در پایان با استفاده از آزمون پیرسون مشخص شد بین دو متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی و الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. در واقع افرادی که از پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری برخوردارند، نگرش‌های برابری طلبانه‌تری نسبت به افراد در پایگاه پایین‌تر، دارند. در مورد علت این امر می‌توان این گمانه را مطرح کرد که افراد در پایگاه بالاتری به خاطر بیشتر بودن درآمد و تحصیلاتشان و نوع خرده فرهنگ خاصی که به آن تعلق دارند، بیش از سایر اقشار به طرفداری از حقوق زنان و برابری‌گرایی در تقسیم نقش‌های جنسیتی گرایش دارند.

جدول ۷. بررسی رابطه بین نوسازی فرهنگی با شاخص‌های الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی

نوسازی فرهنگی			متغیر مستقل متغیر وابسته
تعداد	سطح معناداری	همبستگی پیرسون	
۲۲۵	۰/۰۲۰	۰/۳۵۵	ارزش‌ها و نگرش‌ها به تقسیم نقش‌های جنسیتی
۲۲۶	۰/۰۱۲	۰/۵۶۶	نقش‌های زنانه و مردانه در منزل
۲۲۵	۰/۱۵۳	۰/۰۹۶	هویت (جامعه‌پذیری) جنسیتی
۲۲۲	۰/۹۵۴	۰/۰۰۴	کلشه‌های جنسیتی
۲۲۴	۰/۵۳۳	-۰/۰۴۲	ساختار قدرت در خانواده

به منظور بررسی فرضیه اصلی پژوهش، رابطه بین ابعاد نوسازی و تغییرات الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی نیز سنجیده شده است. نوسازی در بعد فرهنگی با سه شاخص مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۷). این بعد از نوسازی، بر ارزش‌ها و نگرش‌های پاسخ‌گویان نسبت به نقش‌های جنسیتی و همین‌طور بر جنسیتی‌شدن نقش‌ها در خانه تأثیرگذار بوده است. در جامعه مورد مطالعه، گسترش ارتباطات با شهرهای اطراف و

بهره‌مندی از رسانه‌های جمعی منجر به تغییر ارزش‌ها و باورهای سستی افراد و هم‌چنین رفتار پاسخگویان در تقسیم نقش‌های جنسیتی گردیده است. از سوی دیگر، بنظر می‌رسد نوسازی فرهنگی در این جوامع، چندان تاثیری بر نحوه شکل‌گیری و بازتولید افکار و عقاید کلیشه‌ای جنسیتی افراد و هم‌چنین نحوه تقسیم قدرت در خانواده نداشته است. بنابراین نمی‌توان مدعی تاثیر کامل نوسازی فرهنگی بر تقسیم نقش‌های جنسیتی شد و این تاثیرات بیش‌تر در دیدگاه‌های افراد نسبت به تقسیم نقش‌های جنسیتی در حال رخ دادن است و نتوانسته افکار و عقاید کلیشه‌ای جنسیتی را بطور کامل ریشه کن نماید.

جدول ۸. بررسی رابطه بین نوسازی اجتماعی و شاخص‌های الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی

نوسازی اجتماعی							متغیر مستقل / متغیر وابسته
بعد خانواده			نوع خانواده				
تعداد	سطح معناداری	پیرسون	آزمون اتا	سطح معناداری	درجه آزادی	کای اسکوئر	
۲۲۴	۰/۷۵۱	۰/۰۲۱	۰/۰۱۱	۰/۲۱۳	۵۰	۵۷/۶۴۸	ارزش و نگرش‌ها به تقسیم نقش جنسیتی
۲۲۵	۰/۲۵۲	۰/۰۷۷	۰/۳۳	۰/۹۱۴	۳۳	۲۲/۵۷۳	نقش‌های زنانه و مردانه در منزل
۲۲۴	۰/۰۰۸	۰/۴۷۷	۰/۲۴۲	۰/۱۵۴	۳۸	۴۶/۸۲۷	هویت (جامعه‌پذیری) جنسیتی
۲۲۰	۰/۰۲۶	-۰/۳۵۰	۰/۳۹۶	۰/۰۵۱	۲۵	۳۷/۵۵۱	کلیشه‌های جنسیتی
۲۲۳	۰/۱۱۸	-۰/۱۰۵	۰/۰۰۳	۰/۴۲۱	۲۸	۲۸/۸۳۰	ساختار قدرت در خانواده

بعد دیگری از نوسازی، نوسازی اجتماعی است که با دو شاخص نوع خانواده و بعد آن سنجیده شد. نتایج بدست آمده (جدول ۸) نشان داد، هسته‌ای یا گسترده بودن و همینطور تعداد افراد خانواده پاسخگویان، ارتباطی با نگرش‌ها و ارزش‌های آنها به نقش‌های جنسیتی، نقش‌های زنانه و مردانه در منزل و ساختار قدرت در خانواده آنان، ندارد و در واقع این موضوع، تعیین‌کننده عقاید و رفتار و الگوی ساخت‌یافته‌ی تصمیم‌گیری در خانواده نیست.

هسته‌ای یا گسترده بودن خانواده افراد با هویت جنسیتی و مجموعه انتظاراتی که برای هر جنس مناسب تلقی می‌شود، نیز ارتباطی ندارد. ولی کم جمعیت یا پر جمعیت بودن

بررسی تأثیرات نوسازی بر الگوی... (موسی عنبری و مریم فکری) ۱۸۳

خانواده پاسخگویان بر هویت جنسیتی آنان تأثیرگذار بوده است یعنی بعد خانواده فرد بر پذیرش شیوه‌های فرهنگی و جنسیتی‌کننده برای زن یا مرد بودن یا زن و مرد شدن نقش دارد.

تنها بُعدی از الگوی نقش‌های جنسیتی که نوسازی اجتماعی (هم از لحاظ نوع و هم از لحاظ بعد خانواده) بر آن تأثیرگذار بوده، کلیشه‌های جنسیتی است، بدین معنا که عقاید و افکار قالبی و کلیشه‌های جنسیتی در خانواده‌های هسته‌ای متفاوت با خانواده‌های گسترده است. همینطور، بین بعد خانواده و کلیشه‌های جنسیتی نیز، رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. عبارت دیگر با بیشتر شدن تعداد افراد خانوار، کلیشه‌های جنسیتی کاهش یافته است.

بنابراین می‌توان مدعی شد که بیشترین تأثیر نوسازی اجتماعی در کمرنگ شدن باورهای قالبی و کلیشه‌های جنسیتی بوده است و نتوانسته بطور کامل در الگوی نقش‌های جنسیتی تغییراتی ایجاد نماید.

جدول ۹. بررسی رابطه بین نوسازی اقتصادی با شاخص‌های الگوی تقسیم نقش جنسیتی

نوسازی اقتصادی						متغیر مستقل متغیر وابسته
سهیم شدن زنان در دارایی‌های خانواده			سهیم شدن زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده			
تعداد	سطح معناداری	همبستگی اسپیرمن	تعداد	سطح معناداری	همبستگی پیرسون	
۲۲۲	۰/۰۴	۰/۲۳۵	۲۲۶	۰/۰۰	-۰/۶۴۲	نگرش‌ها و ارزش‌ها به تقسیم نقش‌های جنسیتی
۲۲۳	۰/۰۰۸	-۰/۵۷۸	۲۲۷	۰/۱۱۰	۰/۱۰۶	نقش‌های زنانه و مردانه در منزل
۲۲۲	۰/۰۲۹	۰/۴۴۶	۲۲۶	۰/۶۰۹	۰/۰۳۴	هویت (جامعه‌پذیری) جنسیتی
۲۱۸	۰/۰۳۸	-۰/۳۴۱	۲۲۲	۰/۰۳۳	۰/۳۴۴	کلیشه‌های جنسیتی
۲۲۱	۰/۰۰۹	۰/۷۶۱	۲۲۵	۰/۰۰	۰/۶۱۰	ساختار قدرت در خانواده

نوسازی در بعد اقتصادی، با دو شاخص سهیم شدن زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده، سهیم شدن زنان در دارایی‌ها و منابع مادی خانواده سنجیده شده است (طبق جدول ۹).

نتایج بدست آمده حاکی از آن است که مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده، بر نگرش‌ها و ارزش‌های افراد در ارتباط با نقش‌های جنسیتی، موثر و بر افکار و عقاید قالبی و کلیشه‌های جنسیتی تاثیرگذار است. همچنین، سهم زنان در تصمیم‌گیری اقتصادی خانواده بر تغییر جایگاه آنان در ساختار قدرت خانواده، تاثیر است. از سوی دیگر، سهم شدن زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده، بر دو بعد نقش‌های خانگی زنانه و مردانه و جامعه‌پذیری جنسیتی افراد تاثیرگذار نیست. به عبارت دیگر، مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، به معنای از بین رفتن نقش‌های زنانه و مردانه تعریف شده در منزل برای دو جنس و انتظارات و رفتارهایی که برای هر جنس مناسب تلقی شده، نمی‌باشد.

دومین شاخص از متغیر نوسازی اقتصادی، سهم شدن زنان در دارایی‌ها و منابع مادی خانواده است. نتایج بدست آمده نشان داد، بین سهم شدن زنان در دارایی‌های خانواده و نگرش‌ها نسبت به نقش‌های جنسیتی رابطه وجود دارد. به عبارتی، سهم شدن زنان در دارایی‌های خانواده، موجب تغییراتی در نگرش‌هایشان به تقسیم نقش‌های جنسیتی می‌گردد. از سوی دیگر، سهم شدن زنان در منابع مادی خانواده با نقش‌های زنانه و مردانه‌ای که در منزل ایفا می‌کنند، رابطه معکوس دارد، یعنی هرچه سهم زنان در دارایی‌های خانواده افزایش یابد، در عمل، میزان ایفای نقش‌هایی که از قبل برای زنان و مردان تعریف شده، کمتر می‌شود. همچنین، سهم شدن زنان در دارایی‌های خانواده بر نوع جامعه‌پذیری افراد و تعریف‌شان از زنانگی و مردانگی و باور به کلیشه‌های جنسیتی و ساختار قدرت خانواده تاثیرگذار است، اما رابطه‌ای معکوس بین سهم زنان در دارایی‌های خانواده با باور به کلیشه‌های جنسیتی وجود دارد و هر چه سهم زنان در دارایی‌های خانواده افزایش یابد، باور به کلیشه‌های جنسیتی کم‌رنگ‌تر می‌گردد و نقش زنان در ساختار قدرت خانواده برجسته‌تر می‌شود.

بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده، بنظر می‌رسد اینکه صرفاً زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مشارکت داشته باشند و عملاً در منابع مادی خانواده سهم نباشند، به کاهش نقش‌هایی خانگی که از گذشته برای زنان تعریف شده است، نمی‌انجامد.



جدول ۱۰. بررسی رابطه بین نوسازی سیاسی و شاخص‌های الگوی تقسیم نقش جنسیتی

نوسازی سیاسی						متغیر مستقل متغیر وابسته
مشارکت سیاسی افراد			داشتن پست سیاسی یا اجرایی زنان			
تعداد	سطح معناداری	همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معناداری	همبستگی پیرسون	
۲۲۶	۰/۰۴۲	-۰/۳۹۸	۲۲۶	۰/۰۳۶	-۰/۰۴۲	ارزش‌ها و نگرش‌ها به نقش‌های جنسیتی
۲۲۷	۰/۴۸۶	۰/۰۴۶	۲۲۷	۰/۳۲۲	۰/۰۶۶	نقش‌های زنانه و مردانه در منزل
۲۲۶	۰/۰۰	-۰/۵۳۱	۲۲۶	۰/۰۳۰	-۰/۴۴	هویت (جامعه‌پذیری) جنسیتی
۲۲۲	۰/۰۰۲	-۰/۴۰۲	۲۲۲	۰/۱۸۳	۰/۰۹۰	کلیشه‌های جنسیتی
۲۲۵	۰/۳۲۶	۰/۰۶۶	۲۲۵	۰/۹۶۹	-۰/۰۰۳	ساختار قدرت در خانواده

نوسازی از منظر سیاسی با دو شاخص؛ داشتن پست سیاسی یا اجرایی توسط زنان و مشارکت سیاسی مردان و زنان سنجیده شده است (طبق جدول ۱۰). با توجه به داده‌های به‌دست آمده، دارا بودن پست سیاسی زنان، بر نگرش افراد به تقسیم نقش‌های جنسیتی تأثیرگذار است و با حضور بیشتر زنان در پست‌های سیاسی و اجرایی، نگرش‌های جنسیتی به تقسیم نقش‌ها کاهش می‌یابد. همچنین، با پررنگ شدن حضور زنان در اینگونه پست‌ها، مجموعه انتظاراتی که برای افراد هر جنس وجود دارد، کاهش می‌یابد. در طرف مقابل، دارا بودن پست‌های سیاسی و اجرایی توسط زنان تأثیری بر تقسیم جنسیتی نقش‌ها در منزل، کلیشه‌های جنسیتی موجود و ساختار قدرت در خانواده ندارد، به عبارت دیگر، زنان حتی با داشتن شغل سیاسی و اجرایی در جامعه، همچنان نقش‌هایی را که بعنوان زن در خانه تعریف شده است، ایفاء می‌کنند. این امر در رابطه با باورهای قالبی جنسیتی موجود و میزان تأثیرگذاری آنان در امور خانه و خانواده نیز صادق است. دومین شاخص از متغیر نوسازی سیاسی، مشارکت سیاسی افراد است. بین مشارکت سیاسی افراد با ارزش‌ها و نگرش‌های آنان نسبت به تقسیم نقش‌های جنسیتی، جامعه‌پذیری جنسیتی و کلیشه‌های رایج جنسیتی رابطه معنادار و معکوسی برقرار است. هر چه شرکت افراد در امور سیاسی بیشتر شود، نگرش‌ها و ارزش‌های آنان نسبت به نقش‌های جنسیتی، انتظارات راجع به رفتار افراد براساس جنسیت‌شان و شکل‌گیری کلیشه‌های جنسیتی و افکار و عقاید قالبی، کاهش

خواهد یافت. به نظر می‌رسد شرکت افراد در امور سیاسی بر ایفای نقش‌های زنانه و مردانه در خانه و همچنین ساختار قدرت در خانواده تأثیری نداشته و رابطه معناداری بین آن‌ها برقرار نیست.

به‌طور کلی نوسازی سیاسی بیشترین تأثیر را بر ارزش‌ها و نگرش‌های افراد در تقسیم نقش‌های جنسیتی داشته و در عمل، موجب نقش موثرتر زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده نشده است.

بنابراین از یافته‌های بدست آمده این نتیجه حاصل می‌شود، در میان چهار بعد نوسازی که مورد بررسی قرار گرفت نوسازی اقتصادی بیشترین تأثیر را در تغییر الگوی سستی تقسیم نقش‌های جنسیتی داشته و به ایجاد الگویی مدرنتر از تقسیم نقش‌ها منجر شده است. در نهایت اگر رابطه نوسازی (تجمع چهار بعد نوسازی) با الگوی نقش‌های جنسیتی بسنجیم، مشخص می‌شود که نوسازی با الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی رابطه معنادار داشته (با سطح معناداری ۰/۰۵۲) و الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی دست‌خوش تحولات گسترده‌ای گردیده است.

جدول ۱۱. بررسی رابطه بین نوسازی و الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی

نوسازی			متغیر مستقل متغیر وابسته
تعداد	سطح معناداری	نمره همبستگی پیرسون	
۲۱۸	۰/۰۵۲	۰/۴۳۲	الگوی نقش‌های جنسیتی

به منظور تشخیص اثر همزمان کلیه متغیرهای مستقل بر الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی، از روش تحلیلی رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. اطلاعات جدول زیر نشان می‌دهد چهار متغیر مستقل این پژوهش، در مجموع می‌توانند ۳۳ درصد از تغییرات الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی را تبیین نمایند و باقی به عواملی بستگی دارد که در الگوی ما وارد نشده است. مقایسه ضرایب رگرسیونی استاندارد حاکی از آن است که جنس بیش‌ترین سهم را در تغییرات متغیر وابسته دارد. متغیر نوسازی، در رتبه دوم قرار دارد و اثر اندکی کمتر بر شاخص الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی داشته است. در مرحله سوم، متغیر سن دارای بزرگترین ضریب رگرسیونی معنادار و منفی است. چهارمین متغیر پیش‌بینی‌کننده، پایگاه اقتصادی-اجتماعی است و نشان می‌دهد.

جدول ۱۲. محاسبه رگرسیون چند متغیره برای بررسی تاثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی

متغیرهای مستقل	ضریب رگرسیونی استاندارد (بتا)	سطح معناداری
جنس	۰/۳۰	۰/۰۰۰
سن	-۰/۰۵	۰/۰۱۹
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	-/۱۲	/۰۵۵
نوسازی	/۲۰	/۰۰۲
ضریب تعیین ( $R^2$ )	۰/۳۳۹	-
F	۵/۵۷۲	۰/۰۰

## ۶. نتیجه‌گیری

نقش‌های جنسیتی در طول تاریخ و در جوامع مختلف دستخوش تغییر بوده‌اند. صورت غالب تقسیم کار جنسیتی در جوامع سنتی عبارت بوده است از اختصاص کارهای خانه (رسیدگی به فرزندان، شست و شو و پخت و پز و...) به زنان و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بیرون از خانه به مردان. همچنین در درون خانه مدیریت امور با مردان بوده است. به عبارت دیگر، تقسیم نقش‌های جنسیتی سنتی بر اساس دو اصل اساسی سازماندهی می‌شد. یکی اینکه باید تقسیم کار بر اساس جنسیت باشد و زنان و مردان فعالیت‌های متمایزی داشته باشند. دوم اینکه هم در خانه و هم در جامعه، مردان باید جنس مسلط باشند و نقش رهبری با آنها باشد (سی‌یرز و دیگران، ۱۹۹۱: ۴۵۵). و تا زمانی که دسترسی و کنترل این حوزه‌ها به طور عمده برای یک گروه جنسی امکان‌پذیرتر بود، طبیعتاً آن گروه بیشترین نقش را در نهادهای ریز و درشت جامعه ایفا می‌کرد.

در طول چند دهه اخیر در جریان نوسازی، جامعه ایرانی دچار تغییرات اساسی گردیده است. با وجود کلیه دگرگونی‌ها در این جامعه، همچنان نگرش سنتی به نقش‌های جنسیتی در اکثر مناطق آن وجود دارد. در این رابطه، اغلب نظریات و پژوهش‌های موجود، درباره نقش‌های جنسیتی و زنان، کلان‌نگر بوده و دنبال توضیح و تفسیر تمام جامعه ایران با چند مفهوم خاص است. نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که تفاوت‌های میان زنانگی و مردانگی و تقسیم جنسیتی نقش‌ها، در جوامع مختلف متفاوت بوده و در تمامی

جوامع یک معیار ثابت برای آن وجود ندارد و باید برای فهم این معیارها به خود جوامع و فرهنگ عمومی آنها توجه داشت. از اینرو، این مقاله، با این فرض که نوسازی، نظام تقسیم نقش‌های جنسیتی را در مناطق مورد بررسی، تغییر داده و برتری سنتی نقش‌های مردان را به‌چالش کشیده است، به بررسی الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی در دو روستا از توابع املش گیلان پرداخته است.

در روستاهای مورد مطالعه، الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی در **گروه‌های سنی** مختلف، تفاوتی با هم ندارند. نتایج پژوهش حاکی از این امر است که تفاوت‌های نسلی در پذیرش الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی، در این جوامع در حال از بین رفتن است. به‌نظر می‌رسد، حتی افراد مسن این جامعه نیز، با توجه به اینکه در دوره پدرسالاری می‌زیستند نیز، با تغییر در دیدگاه‌ها و نگرش‌هایشان به برابری در تقسیم نقش‌ها روی آورده‌اند. بطور کلی رابطه بین **جنسیت** و الگوی نقش‌های جنسیتی، بیان‌گر این امر است که زنان و مردان در حد قابل ملاحظه‌ای به نگرش‌های جدید برابری‌گرا در تقسیم نقش‌های جنسی گرایش دارند. با این وجود، در برخی از زمینه‌ها هنوز واجد دیدگاه‌های سنتی هستند. یافته‌های بدست آمده نشان داد که ارزش‌ها و نگرش‌های جنسیتی به نقش و نهادینه شدن الگوی جامعه‌پذیری جنسیتی در مردان پاسخگو بیش از زنان است و زنان بیش از مردان برابری‌گرا بودند. از سوی دیگر، این تفکر که زنان خانواده مسئول پخت و پز و نظافت خانه و نگهداری از فرزندان و ... هستند، در بین پاسخگویان زن بیش‌تر از مردان به چشم می‌خورد. جنسیت افراد بر همه ابعاد الگوی نقش‌های جنسیتی تاثیرگذار نیست و دو بعد کلیشه‌های جنسیتی و ساختار قدرت در خانواده افراد، از جنسیت تاثیر پذیرفته است و مردان و زنان پاسخگو، در این زمینه از الگوهای رفتاری یک‌سانی برخوردارند. از آنجایی که جنسیت افراد بر ساختار قدرت خانواده تاثیری نداشته است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در این جوامع الگوهای مردسالاری در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده، کمتر به چشم می‌خورد و هرم قدرت مردان در خانواده، به سوی افقی شدن در حال تغییر است. همچنین افول باورهای جنس‌گرایانه موجب کم‌رنگ شدن باورهای سنتی در خصوص طبیعی دانستن تبعیض‌ها و تفاوت‌های نقشی و منزلتی زنان و مردان، در خانه و اجتماع شده است، در نتیجه مشارکت زنان در اتخاذ امور اساسی خانواده، مانند مسکن و چگونگی هزینه منزل، افزایش یافته است.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد افرادی که از پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری برخوردارند به دلایلی چون، بیشتر بودن درآمد و تحصیلاتشان و نوع خرده فرهنگ خاصی که به آن تعلق دارند، بیش از سایر اقشار به طرفداری از حقوق زنان و برابری‌گرایی در تقسیم نقش‌های جنسیتی گرایش دارند. جریان مدرنیزاسیون و عناصر مدرنیته، تحولات عمیقی در وجوه مختلف از جمله تغییر در فرم و محتوای نقش‌های جنسیتی جامعه مورد مطالعه بوجود آورده است. در نتیجه این تغییرات، روابط اقتداری و مردسالارانه به روابط مشارکتی و برابرطلبانه در خانواده تبدیل و نقش‌های سنتی زنان و مردان تضعیف شده است.

یافته‌ها گویای آن است که، زنان و مردان این دو روستا به شکل‌های متفاوتی، اندیشه‌های مدرن شدن را اخذ کرده‌اند و در حقیقت، نوعی مدرنیته بومی در این روستاها، شکل گرفته است. نقش‌های زنانه و مردانه دیگر مانند گذشته مرزهای کاملاً مشخص و مجزا به این صورت که تصمیم‌گیری تمام امورات در خانه و اجتماع با مردان باشند و زنان نقشی در مدیریت امور نداشته باشند، ندارد و زنان بطور فزاینده‌ای در امر اقتصاد خانواده و تصمیم‌گیری در امور مختلف که عمدتاً نقشی مردانه تلقی می‌شد، نقش‌آفرینی می‌نمایند. همچنین در این روستاها، نمونه‌های بسیاری از مردانی می‌توان یافت که کارهایی را که قبلاً ویژه زنان بود، انجام می‌دهند. با وجود این، مشارکت مردان در کارهای خانه و نگهداری از فرزندان در مقایسه با زنان به مراتب کمتر است.

بطور کلی، هر چه افراد این جوامع، از عناصر مدرن بهره بیشتری برده یا بیشتر در معرض این عناصر قرار گرفته باشند، نگاه‌شان به نقش‌های جنسیتی نیز تحولات بیشتری یافته است و نگاه مدرن‌تر، دموکراتیک‌تر و برابرطلبانه‌تری در بین زنان و مردان روستا به وجود آمده است. در نتیجه این تغییرات، طرح‌واره‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی که مردان را برتر از زنان می‌دانست، در جوامع مورد مطالعه، بطور چشمگیری کمرنگ شده و نابرابری‌هایی که روزگاری ذاتی و طبیعی تلقی می‌شدند، پایگاه‌شان را در نگرش و رفتار زنان و مردان این جوامع از دست داده است.

بر اساس یافته‌های پژوهش مهمترین پیشنهادات به شرح زیر است:

هدف اصلی این تحقیق، بررسی تأثیرات نوسازی بر الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی بوده است. بدلیل گستردگی موضوع، امکان بررسی دیگر عوامل تأثیرگذار، فراهم نبود،

پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران، در تحقیقات بعدی بطور جداگانه و عمیق‌تری به بررسی این عوامل پردازند. همچنین، الگوی تقسیم نقش‌های جنسیتی در پژوهش حاضر، تنها در دو روستا از استان گیلان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است، پیشنهاد می‌شود که این مطالعه در سطح وسیع‌تر و در سایر مناطق کشور که دارای فرهنگ‌های قومی و هویتی متفاوتی هستند؛ نیز انجام شود. بدین ترتیب، امکان مقایسه با سایر نقاط ایران فراهم می‌گردد و تنوعات فرهنگی، قومی و تاریخی نشان داده می‌شود. در نتیجه، با مطالعه هر فرهنگ به طور مستقل، ارزش‌ها و بینش‌ها و مفاهیم یک فرهنگ را به فرهنگ دیگر تعمیم داده نمی‌شود و قوانین عام و جهان شمول راجع به فرهنگ‌های جوامع مختلف، صادر نخواهد شد. در پایان پیشنهاد می‌گردد، در راستای ارائه یک راهکار کلی اجرایی، بهتر است نگاه افراد، خانواده، اجتماع و به عبارتی روند جامعه‌پذیری افراد دچار یک تغییر کلی شود و عملکردی متفاوت در راستای برابری و افزایش سهم زنان در امور اجرایی و مسائل اقتصادی و قبول آن از سوی مردان سر لوحه تمامی نهادهای اجتماعی موثر بر روند شکل‌گیری نگرش افراد، قرار گیرد. در این ارتباط پیشنهاد می‌شود، توجه بیش‌تری به عملکرد مدارس، کتاب‌های درسی و رسانه‌ها در ارتباط با کلیشه‌زدایی راجع به زنان و نشان‌دادن جایگاه زنان در جامعه، صورت گیرد، زیرا مدارس و رسانه‌های جمعی یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر نگرش افراد در دنیای معاصر هستند، بنابراین می‌توان با تغییر نگرش افراد به نگاه مثبت‌تر و متعادل‌تری نسبت به جایگاه زن در خانواده و اجتماع دست یافت.

## پی‌نوشت‌ها

۱. رساله تادیب النسوان توسط مولفی ناشناس، بینش مرد سنت‌گرای دوران قاجار نسبت به زن ایرانی در اوایل دهه ۱۸۸۰ را بازگو می‌نماید.
۲. مرکز بهداشت هلسرا، ۱۳۹۵
۳. گزینه دو شغله با توجه به شناختی که از این منطقه وجود داشت و اطلاع از اینکه بخشی از افرادی که مثلاً کارمند هستند، به کار کشاورزی نیز بصورت مستمر می‌پردازند، در نظر گرفته شده و عمدتاً افرادی را شامل می‌شود که در کنار شغل کارمند یا بازنشسته و یا خانه‌دار بودن، به کار کشاورزی نیز می‌پردازند.

## کتابنامه

- اعزازی، شهلا (۱۳۹۰) جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنگران
- آبوت، پاملا و والاس، کلر، (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی
- آلویں ی.سو، (۱۳۸۸) تغییر اجتماعی و توسعه، مترجم: محمود حبیبی مظاهری (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی،
- براتی، شهناز؛ مرادخانی، مهری و حلیمه عنایت (۱۳۹۳) تقسیم کار جنسیتی از دیدگاه اسلامف پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، ۱۵۴-۱۳۹
- بستان، حسین (۱۳۸۲) نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بستان، حسین (۱۳۸۵) بازنگری نظریه‌های نقش جنسیتی، پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، صص ۵-۳۱.
- بیگی بروجنی، شهناز (۱۳۸۴) رشت شهر باران، تهران: گوهر منظوم
- پیروزی، شادی؛ میرنژاد موحدی، هادی (۱۳۸۹) زندگی زنان گیلان، نشر فرهنگ ایلیا
- پیروزی، شادی؛ میرنژاد موحدی، هادی (۱۳۹۳) پیک سعادت نسوان (دوره مهر ۱۳۰۶ تا شهریور ۱۳۰۷)، نشر فرهنگ ایلیا، چاپ نخست
- جوادی، حسن (۱۹۹۲) «رویارویی زن و مرد در عصر قاجار: دو رساله تأدیب النسوان و معایب الرجال»، شیکاگو: انتشارات کانون پژوهش تاریخ زنان ایران.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۱) هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، تهران: پیام امروز.
- خواجه نوری، بیژن (۱۳۸۵) تأثیر فرایند جهانی شدن بر تقسیم کار خانگی، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۸، صص ۲۳-۱.
- دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۲) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ذکایی، محمدسعید و قاراخانی، معصومه (۱۳۸۶) دختران جوان و تجربه زنانگی، فصلنامه پژوهش زنان، دوره پنجم، شماره ۱.
- رابینو، هل (۱۳۸۶) ولایات دالمرز ایران، ترجمه: جعفر خمایی زاده، رشت: طاعتی، ج ۵
- ریترز، جورج (۱۳۸۲) نظریه‌های جامعه‌شناسی دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی

- عبداللهیان، حمید (۱۳۸۳) «نسل‌ها و نگرش‌های جنسیتی: سنجش آگاهی از تعارض در نگرش‌های جنسیتی»، پژوهش زنان، دوره ۲ شماره ۳، صص ۵۷-۸۴.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۴) گیلان در گذرگاه زمان، سازمان چاپ انتشارات جاویدان، چاپ اول
- فلاحتی، لیلا (۱۳۹۵) نگرش به نقش‌های جنسیتی در نسبت با قومیت و جنسیت، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره نهم، شماره ۱، صص ۳۳-۵۹.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات؛ قدرت هویت، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- گزارش طرح نیازسنجی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان کشور (۱۳۸۲). «نگران آینده»، فرهنگ و پژوهش، ۱۲۷: ۳۵.
- گیدنز، آتونی (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آتونی و ساتن، فیلیپ (۱۳۹۶) جامعه‌شناسی، ترجمه: هوشنگ نائی، جلد دوم، تهران: نی، چاپ دوم.
- محب حسینی، محدثه (۱۳۷۱) «پژوهشی پیرامون نقش‌های زیستی، فرهنگی و اجتماعی زنان در روستاهای قاسم آباد گیلان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشگاه تهران.
- مهدوی، محمد صادق؛ صبوری خرمشاهی، حبیب (۱۳۸۲) بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده علوم اجتماعی: مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، شماره ۲، صص ۷۲ تا ۸۶.
- هولمز، ماری (۱۳۹۱) جنسیت در زندگی روزمره، ترجمه: محمد مهدی لیبی، نشر افکار.
- یعقوبی، علی (۱۳۹۰) بررسی تطبیقی فرهنگ مردانگی در اقوام استان گیلان، پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- یعقوبی، علی (۱۳۹۳) نظریه‌های مردانگی با تأکید بر رویکردهای جامعه‌شناختی، تهران: پژوهش‌ها.

- Bettencourt, K. E. F., Vacha-Haase, T., & Byrne, Z. S. (2011). Older and younger adults' attitudes toward feminism: The influence of religiosity, political orientation, gender, education, and family. *Sex Roles*, 64 (11-12), 863-874.
- Blood, Robert O, & D. M. Wolf (1960). *Husband and Wives*, Gellencoe Illinois: the free press, Broderick. C.B.
- Breakwell, Glynis M. (1990) "Social Beliefs about Gender Differences", in Colin Fraser and Gorge Gaskell, *The Social Psychological Study of Widespread Beliefs*, Oxford: Clarendon Press.
- Burr, V. (1998), *Gender and Social Psychology*, London: Routledge.
- Castells, Manual (1997). *the Power of Identity*, Oxford, Blackwell. *Power in Families*, halsted press: Cromwell, Olson (1975)



- Evertsson, M., M. Nermo, (2004), "Dependence within Families and the Division of Labor: Comparing Sweden and the United States" .*Journal of Marriage and Family*, 66: 1272-1286.
- Giddens, Antony (1990).*The Consequences of Modernity* (Stanford: Stanford University Press).
- Goldberg, W. A., Kelly, E., Matthews, N. L., Kang, H., Li, W., & Sumaroka, M. (2012). The more things change, the more they stay the same: Gender, culture, and college students' views about work and family. *Journal of Social Issues*, 68 (4), 814-837.
- Lei, Chang (1999) "Gender Role Egalitarian Attitudes In Beijing, Hong Kong, Florida, and Michigan", *Journal of Cross-Cultural Psychology*, vol. 30 No. 6: 722-741.
- Mooney, Linda A., David Knox and Caroline Sahacht (2002) *Understanding Social Problems*, USA: Wadsworth Group.
- Oakley, Ann (1976), "Woman's Work: The Housewife, Past and Present", NewYork: Vintage Books.
- Sears, David O., Letitia Anne Peplau and Shelley E. Taylor (1991) *Social Psychology*, Us: Prentice-Hall International.
- Shafiro, Margarita v., Melissa J. Himelein, Deborah L. Best (2003) Ukrainian And U.S. American Females: Differences in Individualism/ Collectivism and Gender Attitudes, *Journal Of Cross-Cultural Psychology*, Vol. 34 No. 3: 297-303.
- Stanley, Liz and Sue Wise (2002) "What's Wrong with Socialisation ?" in Stevi Jackson and Sue Scott, *Gener: A Sociological Reader*, London: Rotledge.